



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Mortgage insurance

M. Akbari Dehno^{1,*}, M. Shahbazinia²

¹*Department of Private law, Faculty of Law, University of Tehran(Farabi Campus), Tehran, Iran*

²*Department of Private Law, Faculty of law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran*

ARTICLE INFO

Article History

Received: 25 January 2014

Revised: 06 November 2015

Accepted: 15 February 2016

Keywords

*Insurance; Mortgage property;
Mortgagor; The mortgagee.*

ABSTRACT

Although the mortgage insurance law has foreseen only the possibility of insuring the mortgage by the mortgagee, due to the benefit in terms of insurance, the mortgagor has this right too. Mortgage insurance is primarily the responsibility of the insurer arising from the assumption of loss or waste of mortgage. In each of these scenarios, depending on whether policyholder is the mortgagor or the mortgagee different rules applies.

In the case of the mortgage property loss from policyholders, insurance companies have no responsibility. However, in case of loss of mortgaged by someone other than policyholders, the insurer is obliged to compensate the policyholders. In case of loss the insured mortgage, what is important and appropriate, is that the mortgage should be insured. Civil law has no ruling on this matter, but what could be inferred from the civil rights and legal principles in this regard is that the insurance company is still responsible for compensation.

***Corresponding Author:**

Email: meysam.dehno@gmail.com

DOI: 10.22051/ijir.2014.112.11



مقاله علمی

بیمه‌ی مرهونه

میثم اکبری دهنو^{۱*}، مرتضی شهبازی نیا^۲

^۱گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران (بردیس فارابی)، تهران، ایران

^۲گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده:

هر چند قانون بیمه تنها امکان بیمه نمودن مرهونه از سوی مرتهن را مورد پیش بینی قرار داده است، اما به لحاظ وجود نفع بیمه‌ای، راهن نیز از این حق برخوردار خواهد بود. در بیمه مرهونه اصولاً مسئولیت بیمه گر ناشی از فرض اتلاف و یا تلف مرهونه است. در هر کدام از این حالات نیز بسته به اینکه بیمه گذار راهن و یا مرتهن باشد احکام و آثار بیمه مرهونه متفاوت است. در صورت اتلاف مرهونه از سوی بیمه گذار شرکت بیمه گر مسولیتی بر عهده ندارد، با وجود این در صورت اتلاف مرهونه از سوی شخصی غیر از بیمه گذار، بیمه گر مکلف به جبران خسارت از بیمه گذار است. در فرض تلف مرهونه بیمه شده، آنچه مهم و در خور است، بیمه مرهونه از سوی راهن است، قانون مدنی در این باره حکمی ندارد اما آنچه از مبانی حقوق مدنی و فقهی در این مسئله قابل استنباط است، ادامه تعلق حق مرتهن نسبت به خسارات پرداختی از سوی شرکت بیمه است.

کلمات کلیدی

اتلاف

بیمه

تلف

راهن

مرتهن

مرهونه

*نویسنده مسئول:

ایمیل: meysam.dehno@gmail.com

DOI: ۱۰.۲۲۰۵۶/ijir.۲۰۱۴.۰۶

مقدمه

رهن عقدی است که به موجب آن مديون مالی را برای وثيقه به داین می دهد.^۱ حصول اطمینان برای طلبکار (مرتهن)، بمنظور پرداخت دین از سوی مديون (راهن)، مقتضای عقد رهن است. از اين رو چنانچه در سررسید دين، مديون اقدام به پرداخت دين ننماید، مرتهن خواهد توانست از محل مال مورد رهن که «مرهونه» یا «مرهونه» ناميده ميشود استيفای طلب نماید.

بقا و پايداري مرهونه برای راهن و مرتهن حائز اهميت است؛ چه آنکه هر دوی ايشان به جهت حفاظت از مال در مقابل صدمات احتمالي، و در صورت بروز صدمات، جبران خسارات ناشي از اين صدمات منتفع هستند. دستيابي به هدف اخير، بوسيله بيمه نمودن مرهونه برای راهن و مرتهن امكان پذير است.

امروزه بيمه نمودن مرهونه در دادوستدهای اقتصادي چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجي از اهميت خاصی برخوردار است. بطور مثال در بعد داخلی، پاره اي از بانک ها، با دريافت وجوهي از وام گيرندگان، اقدام به بيمه نمودن مرهونه‌ي گيرنده وام می نمایند، تا درسرسي وام، بدون هيچ دغدغه اي از محل رهن مباردت به وصل طلب نمایند. در بيع بين الملل نيز اين طريق حائز اهميت است؛ بطور مثال در مبادرات بين الملل، بانگ گشايش دهنده اعتبار، به موجب قراردادهای مقدماتي، كالاي موضوع اعتبارات استنادي را درهن خود قرار می دهد، تا چنانچه خريدار برای واريز مبلغ اعتبارات استنادي مراجعه ننماید، بانک از محل فروش آن كالاها اقدام به وصول طلب نمي نماید (آل شيخ، ۱۳۸۴).

در قانون بيمه، قانونگذار امكان بيمه نمودن مرهونه را در ماده ۷ اين قانون بيان نموده است. به موجب اين ماده «طلبکار می تواند مالي را که در نزد او وثيقه يا رهن است بيمه دهد در اين صورت هرگاه حادثه اي نسبت به مال مزبور رخ دهد از خساراتي که بيمه گر باید بپردازد تا ميزان آنچه را که بيمه گذار در تاريخ موقع حادثه طلبکار است به شخص او و بقيه به صاحب مال تعلق خواهد گرفت».

در ماده فوق، تنها به امكان بيمه نمودن مرهونه از سوی مرتهن اشاره شده است و صحبتی از امكان بيمه نمون مرهونه از سوی راهن به ميان نيماده است. اين در حالی است که هم راهن و مرتهن در مورد جبران خسارت از مرهونه در فرض ايراد خسارت از آن داراي نفع بيمه اي هستند. از اين رو سوال نخست آن است که در فرض بيمه نمودن عين مرهونه از سوی راهن، و با فرض ورود خسارت به مرهونه، وضعیت خسارات پرداختی بيمه گر چگونه خواهد بود؟ آيا در اين رهگذر مرتهن بدون اينکه دخالتی در عقد بيمه داشته باشد نسبت به خسارات پرداختی بيمه گر سهيم است؟

همچنین آنچه از واژه «حادثه» در ماده ۷ قانون بيمه بر مبنای تبادر^۲ ممکن است به ذهن خطور يابد، فرض تلف مرهونه است. اين در حالی است که از بين رفتن مرهونه ممکن است به دليل اتلاف (و نه تلف مرهونه) باشد. پرسش مطرح آن است که آيا شركت بيمه گر در فرض اتلاف مرهونه مسئوليتی بر عهده دارد؟ در فرض مسئوليت شركت بيمه گر وضعیت خسارات پرداختی، و نيز نحوه توزيع آن ميان راهن و مرتهن چگونه خواهد بود؟

قانون بيمه پاسخی را به سوالات فوق ارائه نمی دهد. در حقیقت پرسش‌های مطروحه فوق مهمترین ابهامات مطرح در رابطه با بيمه مرهونه است. هدف نويسندهان در اين نوشتار بررسی مفهوم بيمه مرهونه با توجه به اصول حقوق بيمه و حقوق مدنی است. بطور کلي مسئوليت شركت بيمه گر يا ناشي از تلف و يا ناشي از اتلاف مرهونه است. از همين رو مناسب است بر همين مبنای مطالب مقاله مورد بررسی قرار گيرد. اما پيش از ورود به بحث با توجه به اهميت دو مفهوم تلف و اتلاف در اين نوشتار، به تعریف و ذکر مهمترین تفاوت اين دو بپردازيم:

تفاوت تلف و اتلاف

^۱. ماده ۷۷۱ قانون مدنی

^۲. در اصطلاح علم اصول، تبادر به معنی پيشی گرفتن يك معنی نسبت به معاني ديگر در ذهن شنونده است (جمعي از نويسندهان، ۱۴۲۶ هـ ق).

در حقیقت دو مفهوم اتلاف و تلف به لحاظ از بین رفتن مال مشترک هستند. با این وجود این اشتراک نمی‌بایست تصور همسان بودن این دو مفهوم را ایجاد نماید؛ چه آنکه میان این دو نهاد تفاوت‌های ظریفی وجود دارد.

توضیح آنکه اصولاً آنچه باعث تحقق اتلاف می‌شود، عامل انتساب مستقیم (و بلاواسطه)^۱ است. چه آنکه در این مورد عمل شخص اتلاف کننده بصورت مستقیم و بلاواسطه منجر به از بین رفتن مال می‌شود. هر چند در این رهگذر، هیچ گونه قصد و عمدی را نتوان به متلف (به جهت تلف نمودن مال) نسبت داد (اکبری دهنو و پارساپور، ۱۳۹۱)

با وجود این در تلف، عامل اصلی تحقق اتلاف یعنی عنصر انتساب وجود ندارد. به تعبیر دیگر آنچه باعث از بین رفتن مال می‌شود را نمی‌توان به شخصی منتب نمود، هرچند که مال در تصرف شخص مورد تلف واقع شود؛ مانند از بین رفتن مال به علل قهری مانند طوفان، سیل، زلزله و ... (محقق داماد، ۱۳۸۹)

بیمه مرهونه در فرض «اتلاف» مرهونه^۲

گفته شد که به لحاظ وجود نفع بیمه ای، راهن و مرت亨ن هر کدام حق بیمه نمودن مرهونه را دارند. نفع بیمه ای راهن، بقای مال خویش و نفع بیمه ای مرت亨ن بقای مال برای استیفاده طلب خویش در سرسید دین از محل رهن است.

ممکن است؛ مال مرهونه توسط راهن، مرت亨ن و یا شخص دیگری تلف شود. به شقوق متعدد فوق لازم است دو حالت دیگر نیز افزوده شود و آن اینکه بعد از آنقدر عقد رهن مال مرهونه در تصرف راهن و یا مرت亨ن باشد.

با عنایت به مراتب فوق می‌توان حالات مختلفی را متصور شد. به همین جهت به منظور بیان و درک بهتر مطالب بهتر است شقوق مختلف فوق در دو فرض مورد بحث واقع شود.

در فرض نخست حالتی مورد بحث قرار داده می‌شود که راهن اقدام به بیمه نمودن مرهونه کرده و در فرض دوم حالتی مورد بحث قرار داده می‌شود که مرت亨ن اقدام به بیمه نمودن مرهونه نموده باشد.

بیمه مرهونه از سوی راهن

^۱. در حقیقت در فقه اتلاف در یک مفهوم کلی از سوی فقهای مورد بررسی قرار می‌گیرد. توضیحاً آنکه در یک تقسیم بندی کلی اتلاف به اتلاف بالمبشره و اتلاف بالتسیبب تقسیم می‌شود. آنچه در اتلاف بالمبشره (اتلاف مستقیم) مهم است مستقیم بودن عمل مختلف و تلف مال است. این در حالی است که در اتلاف بالتسیبب آنچه مهم است غیر مستقیم بودن عمل مختلف (که اصطلاحاً سبب نامیده می‌شود) و تلف مال است. در حقیقت هم در اتلاف مستقیم و هم در اتلاف غیر مستقیم عنصر «انتساب» وجود دارد. از این رو تفاوت اتلاف غیر مستقیم و تلف نیز در همین نکته است که در اولی عنصر انتساب هرچند بصورت غیر مستقیم وجود دارد، لیکن در تلف عنصر انتساب وجود ندارد. شایان ذکر است که در مورد تأثیر ارتکاب تقصیر (اتلاف غیر مستقیم) از سوی هر کدام از راهن و مرت亨ن در فرض اتلاف مرهونه بیمه شده در ادامه بحث و انتهای بحث بیمه رهینه در فرض «اتلاف مرهونه» سخن خواهد شد.

^۲. در حقیقت بیمه مرهونه از اقسام بیمه های خسارت و بطور خاص از اقسام بیمه های اموال است. بطور کلی مشخصه مشترک بیمه های خسارت آن است که همگی در صدد جبران خسارت وارد ناشی از حادثه اند (بابایی، ۱۳۹۰). شرکت های بیمه گر در این قسم از بیمه ها، با پرداخت مبالغی در صدد جبران خسارت ناشی از تلف عین مرهونه بر خواهند آمد. این در حالی است که در حقوق مدنی هنگامیکه از بدل صحبت به میان می آید با توجه به ماده ۹۵۰ قانون مدنی و بسته به مثلی و یا قیمتی بودن مال، نحوه جبران خسارت تفاوت خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۷) با توجه به مراتب فوق ممکن است گفته شود که در فرض تلف مرهونه میان این دو نظام جبران خسارت تفاوت وجود دارد؛ چه آنکه در اولی عملاً بدل بصورت مبالغی پولی و در دومی بدل می باشد. در صورت مثلی بودن مثالی و در صورت قیمتی بودن قیمت مال تلف شد باشد. البته در فرض قیمتی بودن، به لحاظ نوع جبران خسارت تعارضی میان جبران خسارت از منظر حقوق بیمه و حقوق مدنی وجود ندارد. در مورد اموال مثلی نیز این دوگانگی در جبران خسارات نمی تواند ایرادی را بحث حاضر وارد سازد چه آنکه در هر دو نظام آنچه مهم است طبیعت جایگزینی جبران خسارت است، و نه تشابه و همگونی جبران خسارت.

چنانچه راهن اقدام به بیمه مرهونه نموده باشد، و خودش اقدام به اتلاف مرهونه نموده باشد (خواه مال در تصرف وی و یا مرتهن و یا دیگری باشد)، شرکت بیمه گر مسئولیتی نخواهد داشت. چه آنکه به موجب ماده ۱۴ قانون بیمه «بیمه گر مسؤول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه گذار یا نمایندگان او نخواهد بود».

در حقیقت اتلاف عمدی بیمه گذار در اتلاف مال خویش از مصادیق بارز تقصیر بیمه گذار است. و حقوقدانان عمد بیمه گذار در اتلاف نمودن مال خود را از مصادیق بارز تقصیر عمدی می‌دانند (بابایی، ۸۸).^۱ به همین جهت بیمه گذار خود می‌باشد بر اساس موازین پیش بین شده در قانون مدنی^۲ در مقابل مرتهن پاسخ گو بوده و در این رهگذر، بیمه گر حمایتی از وی در مقابل مرتهن نمی‌نماید.

با این وجود اگر شخص دیگری اقدام به اتلاف مرهونه نموده باشد خواه مال در تصرف راهن باشد و یا نباشد، بیمه گر موظف به جبران خسارت از بیمه گذار خواهد بود، چه آنکه در ماده ۱۴ قانون بیمه صرفاً تقصیر بیمه گذار موجب عدم مسؤولیت بیمه گر می‌شود.

بیمه گر می‌تواند پس از جبران خسارت به طبیعت قائم مقامی^۳ خویش از بیمه گذار، علیه وارد کننده زیان اقدام به مطالبه خسارت وارد نماید. در حقیقت به موجب ماده ۳۰ قانون بیمه «بیمه گر در حدودی که خسارات وارد را قبول با پرداخت می‌کند در مقابل اشخاصی که مسؤول وقوع حادثه یا خسارت هستند قائم مقام بیمه گذار خواهد بود و اگر بیمه گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد در مقابل بیمه گر مسؤول شناخته می‌شود». از سوی دیگریه موجب ماده ۷ قانون بیمه در صورت بیمه گشتن مرهونه شرکت بیمه، در ازای طلب طلبکار (مرتهن) در مقابل وی پاسخ گو خواهد بود. البته با تجمیع شرایط مربوط به تهاتر از قبیل اتحاد میزان، زمان سرسید، و جنس طلب^۴ این دو طلب با یکدیگر قابل تهاتر شدن هستند.

بیمه مرهونه / از سوی مرتهن

چنان مرتهن اقدام به بیمه‌ی مرهونه نموده و سپس اقدام به اتلاف آن نموده باشد خواه مرهونه در تصرف وی و یا دیگری (اعم از راهن و یا دیگری) باشد، بیمه گر مسئولیتی در مقابل وی نخواهد داشت. همچنین در این فرض، میان حق مرتهن علیه راهن (بابت اصل طلب) و حق راهن علیه مرتهن (بابت اتلاف مرهونه) تقابل بوجود می‌آید. که البته در صورت حصول شرایط لازم امکان استناد به تهاتر ممکن خواهد بود.^۵ اما چنانچه راهن و یا دیگری اقدام به اتلاف مرهونه نموده باشد، خواه مال در تصرف مرتهن باشد و یا نباشد (برای مثال در تصرف راهن و یا دیگری باشد) از سوی بیمه گر با عنایت به عدم تقصیر مرتهن نسبت به تدارک خسارت وی اقدام می‌نماید و از سوی دیگر با عنایت به تکلیف

^۱. به لحاظ حقوق تطبیقی مسئول نبودن بیمه گر در مورد خسارات عمدی منتبه به بیمه گذار از اصول به رسیمت یافته است؛ بطور مثال در ماده ۱۱۳-۱ قانون بیمه فرانسه به عدم پوشش بیمه برای خسارات عمدی تصریح شده است. همچنین در حقوق عرفی انگلستان که بر پایه رویه دادگاهها برقرار شده است این طریق مورد پذیرش دادگاهها واقع شده است (J. Birds & N. J. Hird, ۲۰۰۱).

^۲. به موجب ماده ۷۹۱ قانون مدنی چنین پیش بینی شده است: «اگر عین مرهونه بواسطه عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود باید تلف کننده بدل آن را بدهد و بدل مزبور رهن خواهد بود».

^۳. قائم مقام خاص متعاقدين اشخاصی هستند که به دلیل انتقال مال یا حق معینی، آثار قراردادهای انتقال دهنده نیز همراه آن مال یا حق به آنها منتقل شده و در این زمینه جانشین ناقل می‌گرددن (مولودی، ۱۳۸۳).

^۴. از نظر حقوق بیمه، امروزه در قوانین بسیاری از کشورها راه حل استرداد مزایا و هزینه ها در

^۵. ممکن است که ایراد شود که جانشینی و قائم مقامی بیمه گر از بیمه گذار اقتضای اثرا دارد که بیمه گر دقیقاً بابت همان طلب بیمه گذار حق مراجعته به مدیون را داشته باشد. از سوی دیگر گفته شد که در نظام تدارک خسارت بیمه اصل بر پرداخت مبالغ پولی است. از این رو بیمه گر با پرداخت مبالغ پولی در صدد جبران خسارت طلبکار (مرتهن) است. با این اوصاف یکی از شروط اصلی تهاتر که همان اتحاد جنس طلب است در مانحن فیه مخدوش خواهد بود.

^۶. اینکه پاره ای از بزرگان بدون اعمال شرایط تهاتر، قائل به سقوط طلب اصلی مرتهن از راهن در فرض اتلاف مرهونه توسط مرتهن گشته اند می‌تواند مورد ایراد باشد (نجفی (کاشف الغطاء)، ۱۳۵۹، ۵ ه، همدانی، ۱۴۲۰).

متلف در برابر مرتهن طلبکار، برای تهیه بدل و تحقق این دین بواسطه اتلاف مال^۱، بیمه گر جانشین طلبکار گشته و حق مطالبه خسارت از متلف را خواهد داشت.

در حقیقت به موجب ماده ۷۹۲ قانون مدنی در صورتی که راهن اقدام به تلف نمودن (اتلاف) عین مرهونه نموده باشد مکلف به تهیه بدل برای مرتهن است، وجود این دین برای طلبکار، مبنای قائم مقامی شرکت بیمه برای مراجعته به متلف (راهن) خواهد بود.

در پایان بحث، ذکر نکته ای ضروری است، و آن اینکه همانگونه که گفته شد قسم دیگری از اتلاف مال، (در یک تقسیم بندی کلی) اتلاف بصورت غیر مستقیم است که اصطلاحاً آنرا تسبیب می‌نماید. سوال مطرح این است که آیا در فرض تسبیب، مطالب و تقسیم بندی مطرح در مقوله اتلاف مرهونه می‌تواند مجدداً ارائه شود؟^۲

پاسخ به به این سوال به رغم ظاهر فریبنده ماده ۱۴ قانون بیمه منفی است. به دیگر سخن هرچند در این ماده مفتن صراحتاً اظهار داشته است که بیمه گر مسولیتی در قبال تقصیر بیمه گذار نسبت به مال موضوع بیمه ندارد اما همانگونه که حقوقدانان بدرستی گفته اند این تقصیر صرفاً مربوط به «خسارات عمدى» بوده و ارتباطی به تقصیر در معنای سببیت در تحقق اتلاف نیست (بابایی، ۸۸). پس اگر راهن و مرتهن تقصیراً «مبسبب» تلف شدن مرهونه شده باشند بیمه گر موظف به جبران خسارت از ایشان خواهد بود. در این رهگذر هیچ تفاوتی نمی‌نماید که هرکدام از راهن و یا مرتهن اقدام به بیمه نمودن مرهونه نموده و یا اینکه مرهونه با تقصیر هرکدام از آنها تلف شده باشد.

البته بعنوان یک استثناء می‌توان گفت که اگر تقصیر سبب در تلف مال به گونه ای باشد که عرف آنرا اقوی از مباشر اتلاف تلقی نماید، به مانند حالتی است که بیمه گذار عامداً اقدام به اتلاف مال می‌نماید.

بیمه مرهونه در فرض «تلف» مرهونه

گفته شد که تلف ناظر به حالتی است که در آن عنصر انتساب وجود ندارد. و به تعییر واضح تر از بین رفتن مال مرهونه به دلایلی واقع می‌شود که نمی‌توان آنرا به شخص یا اشخاصی نسبت داد. در این فرض نیز ممکن است هرکدام از راهن و مرتهن مبادرت به بیمه نمودن مرهونه نموده باشند. از این رو هرکدام از این دو فرض را به نحو مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم:

بیمه مرهونه از سوی مرتهن

مفنن در ماده ۷ قانون بیمه صراحتاً فرض بیمه نمودن مرهونه از سوی مرتهن را پیش بینی نموده است. در این ماده چنین می‌خوانیم: «طلبکار می‌تواند مالی را که در نزد او وثیقه یا رهن است بیمه دهد در این صورت هرگاه حادثه ای نسبت به مال مزبور رخ دهد از خساراتی که بیمه گر باید پردازد تا میزان آنچه را که بیمه گذار در تاریخ موقع حادثه طلبکار است به شخص او و بقیه به صاحب مال تعلق خواهد گرفت.»

در حقیقت فلسفه اصلی بیمه مرهونه در فرض تلف آن، جلوگیری از اضمحلال حق مرتهن است. چه آنکه به لحاظ حقوقی در فرض تلف مرهونه به دلایل قهری حق الرهانه ی مرتهن از بین می‌رود.^۳

^۱. ماده ۷۹۱ قانون مدنی.

^۲. بطور مثال راهن و یا مرتهن بصورت غیر مستقیم، مسبب تلف مال شده باشند.

^۳. با وجود این که در قانون مدنی صراحتاً به سقوط حق الرهانه ی مرتهن در فرض تلف مرهونه اشاره ای نشده است، اما این نظر از موارد مرتبط قانون مدنی به روشی قابل استنباط است از جمله اینکه در ماده ۷۹۱ قانون مدنی صرفاً اتلاف مرتهن مورد عنوان قرار داده شده و صحبتی از تلف مرهونه نشده است. نیز در ماده ۲۴۲ قانون مدنی تلف مرهونه مورد شرط در قرارداد موجبی را برای تدارک بدل آن توسط مشروط علیه فراهم نمی‌آورد. همچنین به لحاظ فقهی نیز پاره ای از فقهاء قائل به سقوط حق الرهانه ی مرتهن شده اند. علامه حلی (ره) در تذكرة الفقهاء در این باره چنین می‌فرمایند: و إذا تلف الرهن بأفة سماوية، بطل الرهن (علامه حلی، ۱۴۱۴ هـ ق).

شایان ذکر است که بیمه گر تنها در مقابل طلب مرتهن از راهن (صاحب مال) خسارات وی را جبران می نماید و نسبت به ملکی طلب قیمت مرهونه از مرتهن جبران خساراتی بعمل نمی اورد. بطور مثال اگر الف از ب مبلغ ۱ میلیون تومان طلبکار بوده و ب برای پرداخت بدھی خویش اتوموبیل ۵ میلیون تومانی خود را در رهن طلبکار قرار داده و طلبکار نیز در طی قرارداد جداگانه ای با شرکت بیمه گر مبادرت به بیمه نمودن اتوموبیل نموده و پس از مدتی، مرهونه به علل قهری تلف شده باشد. از یک سو شرکت بیمه گر در مقابل بیمه گذار مکلف به جبران خسارت در حدود ۲ میلیون تومان است (یعنی همان طلب بیمه گذار (الف) علیه صاحب مال (ب)). و از سوی دیگر نسبت به ملکی مبلغ جبران خسارت را می بایست به صاحب مال پرداخت نماید. این حکم در حالی است که مرتهن تمامی حق بیمه را به شرکت بیمه گر پرداخت نموده است.^۱

در حقیقت فلسفه عدم پرداخت تفاوت قیمت مرهونه و طلب مرتهن از راهن به به بیمه گذار (در مثال فوق مبلغ ۳ میلیون تومان) به دلیل این اصل بنیادین است که عقد بیمه هیچ گاه نمی بایست موجب افزایش دارایی بیمه گذار را فراهم اورد.^۲

نکته‌ای که می بایست مورد توجه قرار گیرد این است که در حقوق مدنی در صورتی که در سرسید دین، راهن دین اصلی را به مرتهن پرداخت ننماید، مرتهن در صورتی که برای فروش مرهونه وکالت نداشته باشد برای استیفاده طلب از محل مرهونه به حاکم مراجعت می کند تا به اذن حاکم از محل مرهونه استیفاده طلب ننماید. به موجب ماده ۷۷۹ قانون مدنی «هرگاه مرتهن برای فروش عین مرهونه وکالت نداشته باشد و راهن هم برای فروش آن واداء دین حاضر نگردد مرتهن به حاکم رجوع می نماید تا اجبار به بیع یا اداء دین بنحو دیگر بکند».^۳

با وجود این، ماده ۷ قانون بیمه، حکمی متعارض با ترتیب ماده ۷۷۹ قانون مدنی را بیان می نماید، چه آنکه در این ماده پیش بینی شده است که پس از تلف مرهونه، بیمه گر می بایست بدولاً طلب مرتهن را تأديه نماید. این در حالی است که در قانون مدنی استحقاق مرتهن به مرهونه منوط به شرایطی است که البته مهم ترین آن عدم تأديه دین از سوی راهن در وعده است ات، و پس از آن صرفًا یا با وکالت اخذ شده از راهن است و یا با اجازه حاکم.^۴

در این مورد سوال مطرح این است که آیا ترتیب پیش بینی شده در قانون بیمه با عنایت زمان تصویب آن در سال ۱۳۱۶ می تواند در حدود خود مخصوص قانون مدنی، مصوب به سال ۱۳۰۷ باشد؟

بنظر می رسد که می توان حکم دو ماده را بنحوی جمع نمود، چه آنکه مفاد دو ماده در صدد بیان دو حکم متفاوت هستند. در حقیقت در قسمت اخیر ماده ۷ قانون بیمه، قانونگذار صرفًا در صدد بیان چگونگی توزیع خسارت در میان راهن و مرتهن است. و در ماده ۷۷۹ قانون مدنی قانونگذار در صدد بیان ترتیب استیفاده حق مرتهن از مرهونه است.

^۱. نکته جالب آن است که علاوه بر منتفع گشتن مرتهن (بواسطه حصول اطمینان از استیفاده طلب از محل جبران خسارت به عمل آمده توسط شرکت بیمه)، راهن نیز به وضوح از ثمرات بیمه مرهونه از سوی مرتهن بهره مند می شود؛ چه آنکه از سویی حق بیمه ای از سوی وی پرداخت نشده است و از سوی دیگر پرداخت مابقی مبلغ قیمت مرهونه به او در حالی است که اگر مرهونه بیمه نمی شد، بواسطه تلف مرهونه جبران خسارتی از وی به عمل نمی امد (برخلاف اتفاق که همواره متنی مختلف در برابر صاحب مال مسئول خواهد بود).

^۲. شایان ذکر است که در حقوق مسولیت مدنی این اصل با عنوان بازگشت وضعیت زیان دیده به قبل از ورود خسارت شناخته می شود. (cena، ۲۰۰۶). به موجب این اصل که تاحدود زیادی با اصل منع افزایش دارایی بیمه گذار بواسطه عقد بیمه در حقوق بیمه قابل انطباق است (بنادینی، ۱۳۸۷) جبران خسارت از سوی جبران کننده خسارت می بایست به نحوی باشد که وضعیت زیان دیده به حالت قبل از ورود زیان برگردد. (کاتوزیان، ۱۳۸۹).

^۳. در حقیقت در فقه و قانون مدنی گفته می شود که شرط تملک قهری مرهونه به مرتهن باطل دانسته شده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۹).

^۴. در مورد شرط وکالت برای فروش مرهونه گفته شده است که این شرط به معنی عدم نیاز به مقام های عمومی است. در مورد فلسفه لزوم مراجعه برای استیفاده حق از مرهونه به مقام های عمومی (حاکم) نیز حمایت از بدھکارانی است که از فرط اضطرار مجبور به قبول شرایط وام دهندهان برای اعطاء وام به ایشان می شود چه آنکه در صورت عدم نبود این شرط وام دهندهان (مرتهن) در رسید به راحت ترین شکل ممکن مرهونه را بوسیله تحمیل شرط بر وام گیرنده (راهن) تملک می نمودند. به همین جهت گفته شده است شرط تملک قهری مرهونه باطل است (کاتوزیان، ۱۳۸۹). در ماده ۲۰۸۸ قانون مدنی فرانسه نیز همچون قانون مدنی ایران شرط عدم نیاز برای مراجعه به مقام های قضایی برای فروش مرهونه باطل است.

کوتاه کلام آنکه براساس موازین پیش بینی شده در حقوق مدنی، در فرض تلف مرهونه‌ی بیمه شده، شرکت بیمه قبل از حلول طلب مرتهن (بیمه‌گذار) حق پرداخت خسارت را به بیمه‌گذار ندارد و این پرداخت می‌باشد پس از حلول دین و عدم پرداخت دین از سوی راهن (صاحب مال) و به حکم حاکم آنجام شود.^۱

بیمه مرهونه از سوی راهن

در این فرض راهن، بعنوان صاحب مال اقدام به بیمه نمودن عین مرهونه نموده و متعاقباً عین مرهونه به علی‌غیر قابل انتساب تلف می‌شود. حال پرسش اصلی آن است که آیا مرتهن، در حالیکه حق بیمه‌ای پرداخت ننموده است، حقی نسبت به خسارات پرداختی بیمه‌گر، برای استیفای دین اصلی خود از راهن (بیمه‌گذار) خواهد داشت، یا خیر؟

در قانون بیمه چنین فرضی از سوی قانونگذار مورد پیش بینی واقع نشده است.^۲ چه آنکه در این قانون، قانونگذار صرفاً در حکمی کلی به بیان امکان بیمه نمودن عین مرهونه از سوی مرتهن بسته نموده، و اشاره ای به فرض مورد نزاع در زمینه بیمه نمودن مرهونه توسط راهن و چگونگی تعلق حق مرتهن بعد از تلف گشتن آن ننموده است.

چنانچه قانونگذار در قانون مدنی بحثی از زوال و یا عدم زوال حق مرتهن در فرض تلف مرهونه می‌نمود، این موضوع از باب وحدت ملاک می‌توانست قابل حل باشد، با وجود این در قانون مدنی نیز صراحتاً چنین امری مورد پیش بینی قرار نگرفته است.^۳ البته در فقه مشهور فقه‌ها را عقیده بر زوال حق مرتهن در فرض تلف دارند (علامه حلى، ۱۴۱۴ هـ؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ هـ؛ حسینی عاملى، ۱۴۱۹ هـ؛ حکیم، ۱۴۱۶ هـ).

هرچند، در قوانین موضوعه نصی که «به صراحت» اقدام به چاره جویی موضوع نماید وجود ندارد. با وجود این می‌توان تحلیل حقوقی موضوع را با بهره گیری از روح مواد مرتبط متصور شد.

توضیح‌آنکه در ماده ۷۹۱ چنین پیش بینی شده است که «اگر عین مرهونه به واسطه عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود باید تلف کننده بدل آن را بدهد و بدل مزبور رهن خواهد بود». حقوقدانان چنینی بدلی را «بدل قهری» عنوان نموده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۹). آنچه به طور واضح و مستقیماً از نص ماده مستفاد می‌شود این نکته است که در صورت اتلاف مرهونه (خواه راهن و مرتهن، و یا دیگری) مختلف می‌باید بدل مال تلف شده را بدهد. اما به نظر می‌رسد که ماده مزبور علاوه بر معنای صریح دارای یک معنای ضمنی دیگری نیز می‌باشد و آن اینکه به موجب این ماده در هر موردی که بتوان بدلی را برای مرهونه متصور شد، آن بدل قهرآمی بایست به عنوان مرهونه در قید حق مرتهن قرار گیرد.

در حقیقت مفهوم رهن قهری با مفهوم «بدل» مورد تداعی قرار می‌گیرد؛ از این رو در هر موردی که بتوان بدلی را برای عین مرهونه متصور شد حق الرهانه مرتهن نسبت بدان تعلق خواهد گرفت.

تصور نزود که مفاد این بحث تنها به فرض شایع فوق که همان تلف مرهونه‌ی بیمه شده اختصاص دارد، در قالب مثال ذیل بهتر می‌توان از مفاد قاعده ابداع شده دفاع نمود:

^۱. در دنیای کنونی تجارت و اقتصاد، مهلت پرداخت دین نیز خود دارای ارزش اقتصادی است. از این رو استیفای حق از رهن و یا بدل ان در قبل از حلول دین نمی‌تواند با توافق اولیه طرفین همسویی داشته باشد (التعجیل لعقوبه لم یثبت موجبه‌ها؛ اکبری دهنو و دیگران، ۱۳۹۱).

^۲. قابل ذکر است که در ماده ۱۹ شرایط عمومی بیمه آتش سوزی، صاعقه و انفجار چنین پیش بینی شده است که «بیمه‌گر مکلف است حقوق قانونی مرتهن را در مورد اموال بیمه شده اعم از منقول و غیر منقول تا حدود حداکثر تعهد خود در پرداخت خسارت رعایت نماید. حقوق مرتهن نسبت به اموال بیمه شده مزبور باید به اطلاع بیمه‌گر رسیده باشد». البته همانگونه که در ماده ۱ این شرایط عمومی بیان شده است مواد پیش بینی شده در شرایط عمومی (با ابتکار بیمه مرکزی) جنبه پیشنهادی دارد و به دیگر شرایط عمومی با توافق بیمه‌گذار و بیمه‌گر قابل اسقاط می‌باشد.

^۳. البته همانگونه که گفته شد، می‌توان چنین گفت که به صورت ضمنی قانونگذار در قانون مدنی عقیده به زوال حق مرتهن دارد.

چنانچه غاصبی مرهونه را غصب و با فرض وجود مال امکان عودت مال را به مالک نداشته باشد مطابق قواعد حقوق مدنی غاصب ملزم به دادن بدل حیلوله به مالک است (کاتوزیان، ۱۳۸۷) در این مثال نه اتلاف و نه تلف حادث نگردیده است. با وجود این برقراری حق الرهانه نسبت به بدل حیلوله قابل دفاع است.

همچنین تصور نشود که دادن بدل بابت مرهونه تلف گشته تنها در حالت بیمه شدن مرهونه امکان پذیر است تا امکان استناد به قاعده گفته شده وجود داشته باشد.^۱ چه آنکه در موارد دیگر نیز امکان استناد به قاعده گفته شده وجود دارد؛ بطور مثال چنانچه مرهونه به رسم و دیعه در اختیار دیگری قرار داده شده است، با فرض تلف شدن مرهونه با آفات سماوی و قهری و البته در دوران تصریر امین، مطابق قواعد حقوق مدنی امین موظف به پرداخت بدل به مالک (راهن) خواهد بود (اکبری دهنو و پارساپور، ۱۳۹۱). در این حالت هر چند مرهونه بیمه نشده است. اما بدلی برای آن متصور است، که البته با توجه به وجود بدل برای مرهونه تلف شده برقراری حق الرهانه نسبت به بدل قابل دفاع خواهد بود. چنین عقیده ای نه تنها به لحاظ قانونی دارای پشتوانه است، بلکه به لحاظ فقهی نیز قابل دفاع خواهد بود، مناسب است که به ترتیب نقاط اتکاء عقیده مطرح شده را از منظر فقهی بیان نماییم:

۱- به موجب اصل استصحاب، اصل بقای حق است؛ درحقیقت تحقق عقد رهن، حقی پایدار و ثابت و حتی عینی را برای مرتنهن موجب شده است. در حالت تلف مرهونه و بیمه شدن آن قبل از تلف، شکی پدید می آید که ناشی از این سوال است که آیا با وجود اینکه جایگزینی برای مرهونه وجود دارد حق مرتنهن از بین رفته است یا خیر؟

وانگهی اصل استصحاب (البته با تلقی حق رهانه بعنوان مستصحب و نه نفس مرهونه بعنوان مستصحب)^۲ اقتضای عدم زوال حق مرتنهن با تلف مرهونه را دارد؛ چه آنکه به موجب این اصل یقین سابق با شک لاحق از بین نمی روید.

ممکن است بر راقم سطور ایراد شود که این اصل در جایی که جایگزینی برای مرهونه وجود ندارد، نیز مجال طرح می یابد، پس در این فرض نیز با استناد اصل استصحاب لاجرم می بایست قائل به ادامه حق مرتنهن گشته و راهن را ملزم به تهیه بدل برای مرتنهن نمود؟ چنین ایرادی قابل دفع است؛ چه آنکه اولاً تدارک بدل مرهونه نه از وظایف بیمه گزار (راهن) بلکه از وظایف بیمه گر است. در حقیقت بیمه گر محظوظ و آینده نگر با پرداخت حق بیمه اقدام به بیمه نمودن مرهونه کرده است. نیز آنکه حصول شک و تردید ناشی از این مقدمه است که بیمه ای مرهونه موجب وجود بدل برای آن در فرض تلف گشتن آن است. در حقیقت از جمله شرایط ضروری برای مجرأ گشتن اصل استصحاب این است که مورد استصحاب قابلیت دوام را داشته باشد (محقق دادماد، ۱۳۸۷).

در فرض تلف مرهونه بدون بیمه گشتن آن، مورد استصحاب قابلیت دوام و ادامه یافتن را ندارد؛ با وجود این در فرض تلف مرهونه بیمه می شده، مورد استصحاب قابلیت دوام را داشته و از این رو استناد به استصحاب برای حکم به تعلق حق مرتنهن خالی از وجه نخواهد بود.

ممکن است این ابهام مطرح شود که بیمه نمودن مرهونه النهایه موجب دارا شدن بدون جهت مرتنهن می شود، زیرا راهن علاوه بر از کف دادن مرهونه، هزینه ای را برای بیمه نمودن آن پرداخت نموده، و نیز علاوه بر تعلق قهری حق مرتنهن بر بدل پرداخت شده از سوی بیمه گر، راهن ملزم خواهد بود در سراسر دین خویش را تادیه نموده و در غیر اینصورت از محل بدل مرهونه استیفاء دین خواهد شد.

^۱. مراد قاعده ی گفته شده است؛ قاعده ی که در طی آن در هر مورد که بتوان بدلی را برای مرهونه تلف شده متصور شد، برقراری حق الرهانه نسبت بدان قابل دفاع است. فرد اجلا و باز این قاعده فرض اتلاف رهینه است. با وجود این مفاد این قاعده در فرض تلف رهینه نیز می تواند مجری باشد.

^۲. در حقیقت یکی از نکات بسیار مهم در استناد به اصل عملی استصحاب تشخیص و تمییز «موضوع» در یقین سابق و در شک لاحق است (قافی و شریعتی، ۱۳۹۲) به تعبیر دیگر می بایست با دقت نظر موضوع یقین سابق و موضوع شک لاحق را در ابتدا شناسایی و سپس در صورت وحدت به سراغ سایر شرایط استصحاب رفت. در حقیقت همانگونه اصولیین در این باره گفته اند: «... در صورتی نقض یقین سابق، به وسیله شک لاحق محقق می شود که موضوع متین و مشکوک عرفایکی باشد...» (شهیدصدر، ۱۴۲۱-۱۴۲۱هـ). اصولیین در این راستا ملاک برای شناسایی موضوع را «حکم عرف» قرارداده اند (پیشین، ۱۴۲۱-۱۴۲۶هـ)؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶-۱۴۲۱هـ) با این تفسیر به نظر می رسد که در بحث ما آنچه که به عنوان موضوع استصحاب (ستصحب) می بایست در نظر گرفته شود حق الرهانه ی مرتنهن است.

چنین ابهام ایراد گونه ای می تواند محل تأمل باشد، چه آنکه راهن بدون اینکه تکلیفی در راستای بیمه نمودن مرهونه داشته باشد، مبادرت به بیمه نمودن مرهونه کرده و البته مرت亨 از ثمرات آن بهره مند می شود. در حقیقت مرت亨 در سرسید بدون اینکه دغدغه ای برای استیفادی طلب خود داشته باشد بصورت راحت تری به طلب خود نائل می اید.

با این وجود توهمن دارا شدن غیر عادلانه از سوی مرت亨 را می بایست از ذهن زدود، چه آنکه چنین اقدامی از سوی راهن در بیمه نمودن مرهونه از سویی می تواند گواه نفع شخصی راهن در بیمه نمودن مرهونه باشد، برای مثال در آن هنگام که قیمت مرهونه به مرتب از طلب مرت亨 بیشتر باشد بدون تردید راهن نیز در بیمه نمودن مرهونه دارای نفع شخصی است. به دلیل گفته شده استناد به دارا شدن غیر عادلانه مرت亨 خالی از وجه است چه آنکه از جمله شروط لازم برای تحقق داراشدن غیر عادلانه آن است که نفعی به شخصی که به داراشدن غیر عادلانه دیگری استناد می کند نرسیده باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲) این در حالی است که در فرض ما گفته شد که نوعاً بیمه نمودن مرهونه کاشف از نفع شخصی راهن است.

نیز بهره مندی مرت亨 از بدل مرهونه که از سوی بیمه گر پرداخت می شود، مستقیماً موجب افزایش دارایی مرت亨 نمی شود، چه آنکه صرفاً اقتضای رهن حصول اطمینان بیشتر در وصول طلب است. بدیهی است که این امر به خودی خود موجب افزایش دارایی مرت亨 نمی شود، در حقیقت مرت亨 صرفاً یک طلب را بر عهده راهن طلبکار است. این در حالی است که از جمله ضروریات قاعده داراشدن غیر عادلانه افزایش مستقیم دارایی های دیگری است (پیشین، ۱۳۹۲؛ السننهوری، ۱۹۶۷).

این اصل صرفاً جایی استثناء می شود که مورد رهن تلف کشته و امکانی برای جایگزین نمودن آن نباشد اما در آن هنگام که جایگزینی را بتوان برای مورد رهن قرار داد اصل مذبور اقتضای عدم زوال حق مرت亨 را دارد.

۲- قاعده «فیما یخالف الاصل یقتصر علی الموضع المتین»، در فقه مovid این نکته است که، آن دسته از احکامی که امری خلاف اصل را بیان می نمایند می بایست تا حد امکان به نحو مضيق مورد تفسیر واقع شوند.

به موجب قاعده فقهی مذبور، اصل بقاء و تعلق حق مرت亨 بر عین مرهونه اقتضا دارد که سقوط حق مرت亨 بر عین مرهونه صرفاً به جای اختصاص یابد که دیگر امکانی برای تعلق حق وجود نداشته باشد. این عدم تعلق حق مرت亨، در بحث ما صرفاً حالتی را شامل می شود که مرهونه تلف گشته و اصلاحاً با سالبه به آنتفاء گشتن موضوع حق، حق نیز زایل گشته و دیگر امکانی برای تعلق حق مرت亨 وجود نداشته باشد. در حقیقت تلف مرهونه ای که بدلی برای آن متصور نیست، حکم، خلاف اصل خواهد بود، چه آنکه تنها در این فرض است که حق مرت亨 از بین می رود.

وانگهی در آن مواردی که مرهونه تلف گشته لیکن امکان جایگزین نمودن مرهونه و تصور استمرار حق برای مرت亨 وجود داشته باشد، به حکم قاعده فقهی مذبور نمی توان قائل به زوال حق مرت亨 شد. چه آنکه از منظر فقهی، توسعه ی حکم خلاف قاعده جایز نیست. از منظر حقوق تطبیقی در قانون بیمه فرانسه این موضوع با دقت نظر قانونگذار فرانسوی مورد توجه قرار گرفته و در ماده ۱۳-۱۲۱ این قانون پیش بین شده است که بیمه گر می بایست از محل خسارت پرداختی بابت تلف گشتن مرهونه بصورت مستقیم طلب مرت亨 را به وی پرداخت نماید.

نتیجه‌گیری

می توان نتایج حاصل از تحقیق حاضر را به شرح بندهای ذیل خلاصه کرد:

راهن و مرت亨 هر کدام حق بیمه نمودن مرهونه را دارا هستند، و بیمه گر می بایست پس از ورود خسارت به مرهونه نسبت به تدارک خسارت از بیمه گذار اقدام نماید.

فرض مسئولیت بیمه گذار یا ناشی اتلاف و یا ناشی از تلف مرهونه است، مهمترین تفاوت میان اتلاف و تلف نیز قابلیت انتساب است؛ امری که در اولی موجود و در دومی مفقود است.

چنانچه بیمه گذار خود اقدام به اتلاف مرهونه نموده باشد، با توجه به ایراد خسارت عمدى توسط بیمه گذار شرکت بیمه اقدامی نسبت به جبران خسارت به عمل نمی آورد، لیکن چنانچه این امر توسط شخص ثالث انجام گرفته باشد، نظر به فقد عنصر خسارت عمدى شرکت بیمه موظف به جبران خسارت است.

در مورد تلف مرهونه بیمه شده نزاع و اختلاف اصلی در فرضی است که بیمه مال بوسیله راهن انجام گرفته شده باشد، اینکه مرتهن نسبت به خسارات پرداختی بیمه گر استحقاقی را دارد و یا خیر؟ کانون نزاع در این فرض است.

گفته شد که بر اساس مبانی حقوق مدنی و حتی مبانی مأمور از فقه، می توان در این زمینه، نظریه ای را تأسیس نمود، به موجب این نظریه که عبارت است از «برقراری قهری حق الرهانه مرتهن نسبت به بدل مرهونه ازین رفته (خواه بواسطه اتلاف و یا تلف)» در چنین فرضی نیز، مرتهن نسبت به خسارات پرداختی بیمه گر در اولویت است و می بایست در ابتدا طلب وی از محل بدل پرداخت شود.

منابع و مأخذ

آل شیخ، محمد، (۱۳۸۴)، شرایط ماهوی صحت عقد بیمه و ساختار شکلی آن، فصلنامه صنعت بیمه، شماره ۱، صفحه ۱۰۴
 اکبری دهنو، میثم محمد باقر پارساپور، (۱۳۹۱)، تأمیلی فقهی و حقوقی، در وضعیت ید امین پس از عدول از تقصیر، فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۳۶، شماره ۲، صفحات ۸۴-۸۵
 اکبری دهنو، میثم، مرتضی شهبازی نیا، محمد باقر پارساپور، محمد حسین یاوری، مطالبه تضمین از متعهد پیش از حلول اجرای تعهدات قراردادی، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، سال اول، شماره دوم، صفحه ۶۹
 السنہوری، عبدالرازاق، (۱۹۶۷)، م. مصادر الحق فی فقه الاسلامی جلد اول، جامعه الدل العربیه، قاهره، چاپ سوم، صفحه ۵۹
 انصاری ، مرتضی ، کتاب المکاسب ، جلد ۱ ، منشورات دار الذخائر ، قم ، چاپ اول ، (۱۴۱۱) هـ ق ، صفحه ۴۱۶
 بابایی، ایرج، (۱۳۹۰)، حقوق بیمه، انتشارات سمت، تهران، چاپ دهم، صفحه ۸۸-۱۲۹
 بادینی، حسن، (۱۳۸۷)، قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام های جبران خسارت، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲، صفحه ۴۰

حلى، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذكرة الفقهاء (ط - الحدیث)، جلد ۱۳، مؤسسه آل البت علیهم السلام، قم، چاپ اول، (۱۴۱۴) هـ ق. صفحه: ۳۰۱

جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهروdi، سید محمود هاشمی، (۱۴۲۶ هـ ق)، (فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ۳ جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، چاپ اول، صفحه ۳۲۵
 طوسي، محمد بن حسن، الخلاف، جلد ۳، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، (۱۴۰۷) هـ ق، صفحه ۲۵۶

صدر، سید محمد باقر، (۱۴۲۱) هـ ق. دروس فی علم الاصول، جلد دوم، انتشارات مرکز دروس تخصصی شهید صدر، قم، صفحات ۴۲۰-۴۲۳
 صفائی، سید حسین، حبیب الله رحیمی، (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی، انتشارات سمت، تهران، چاپ پنجم، ۵۱-۵۴
 قافی، حسین، سعید شریعتی، (۱۳۹۲)، اصول فقه کاربردی، اصول عملیه و تعارض ادله، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، صفحات ۲۰
 کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، الزام های خارج از قرارداد- مسئولیت های خاص و مختلط، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ هشتم، صفحات ۲۵۲، ۲۴۲

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹)، الزام های خارج از قرارداد- قواعد عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ نهم، صفحه ۵۳۵
 کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹)، عقود اذنی، وثیقه های دین، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ ششم، صفحات ۵۹۰-۵۹۱، ۵۲۴-۵۲۴
 محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۹)، قواعد فقه- بخش مدنی، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ بیست و چهارم، صفحه ۱۱۵

محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۷)، مباحثی از اصول فقه، دفتر سوم، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ پنجم، صفحات ۳۶-۳۹.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۶ هـ ق)، الانوار الاصول، جلد سوم، ۳، انتشارات نسل جوان، قم، صفحات ۳۶-۳۹.

مولودی، محمد، (۱۳۸۳)، قائم مقام خاص متعاقدين ، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۴، صفحه ۲۱۹.

نجفی کاشف الغطاء، محمد حسین ، تحریر المجلة، جلد ۲، المكتبة المرتضویة، نجف اشرف - عراق، چاپ اول، (۱۳۵۹ هـ ق)، صفحه ۲۰۰-۲۰۱.

همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، حاشیه کتاب المکاسب ، در یک جلد، انتشارات جناب مؤلف، قم، چاپ اول، (۱۴۲۰ هـ ق)، صفحه ۱۱۷.

Birds. J N. J. Hird, (۲۰۰۱), Birds modern insurance law, publisher kluwer law, p:۲۰۳.

Cena; peter. (۲۰۰۶), Atiyah accident, Compensation and the law. Seventh Edition Combridge. P: ۳۷۷.